

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



مجموعه مفاہیم بنیادین علوم انسانی اسلامی

# حکمت

مؤلفان:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسن حائری

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر نصرالله شاملی

استاد دانشگاه اصفهان

احسان علی اکبری بابوکانی

دانشجوی دکترای فقه و حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد



## فهرست مطالب

|  |    |
|--|----|
| سخن ناشر.....                                | ۹  |
| مقدمه.....                                   | ۱۱ |
| فصل ۱. کلیات.....                            | ۱۳ |
| ۱. بیان محلّ نزاع و پرسش اصلی پژوهش.....     | ۱۴ |
| ۲. اهمّیت و جایگاه فقهی.....                 | ۲۴ |
| ۳. پیشینه و سابقه‌ی تاریخی.....              | ۲۷ |
| ۴. اهداف و ثمرات پژوهش.....                  | ۲۹ |
| ۱-۴. اهداف و ثمرات نظری.....                 | ۲۹ |
| ۲-۴. اهداف و ثمرات عملی و کاربردی.....       | ۳۰ |
| ۵. روش تحقیق.....                            | ۳۰ |
| ۶. محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق.....            | ۳۱ |
| ۷. سوالات اصلی پژوهش.....                    | ۳۱ |
| ۸. فرضیه‌ها.....                             | ۳۲ |
| فصل ۲. تعاریف و مفاهیم بنیادین.....          | ۳۳ |
| ۱. تجسّس.....                                | ۳۴ |
| ۱-۱. معنای لغوی.....                         | ۳۴ |
| ۲-۱. معنای اصطلاحی.....                      | ۳۹ |
| ۱-۲-۱. تعریف تجسّس در متون فقهی و روایی..... | ۳۹ |

- ۴۲..... ۲-۲-۱. تعریف حقوقی و قانونی
- ۴۳..... ۲. حریم
- ۴۴..... ۱-۲. واژه شناسی حریم
- ۴۷..... فصل ۳. مفهوم شناسی حریم خصوصی افراد در علم حقوق
- ۴۷..... ۱. مفهوم شناسی حریم خصوصی افراد در علم حقوق
- ۴۸..... ۱-۱. دیدگاه‌ها، مبانی و تعاریف مفهوم حریم خصوصی
- ۴۸..... ۱-۱-۱. دیدگاه‌ها و مبانی
- ۵۱..... ۲-۱-۱. حریم خصوصی افراد در میزان تعاریف
- ۵۷..... جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
- ۶۱..... فصل ۴. حریم خصوصی افراد در ترازوی فقه شیعه
- ۶۳..... ۱. دلایل عقلی
- ۶۴..... ۱-۱. قضاوت وجدان (حکم اولیه وجدان)
- ۶۵..... ۲-۱. ممنوعیت عقلی ولایت بر دیگران
- ۶۵..... ۳-۱. ممنوعیت و حرمت عقلی ظلم
- ۶۵..... ۴-۱. حرمت عقلی مقدمه حرام
- ۶۵..... ۲. عناوین ممنوعه و حرام مرتبط با حریم افراد
- ۶۶..... ۱-۲. ممنوعیت تجسس و پیگیری عیوب
- ۷۱..... ۲-۲. ممنوعیت سوءظن و وجوب حسن ظن
- ۱۰۰..... ۳-۲. ممنوعیت غیبت
- ۱۰۵..... ۴-۲. ممنوعیت اشاعه فحشاء و منکر
- ۱۰۷..... ۵-۲. ممنوعیت افشای اسرار افراد
- ۱۰۹..... ۶-۲. ممنوعیت سخن‌چینی و نیمه
- ۱۱۰..... ۷-۲. ممنوعیت ورود به منزل افراد
- ۱۱۵..... ۸-۲. حرمت استراق سمع و بصر
- ۱۱۷..... ۹-۲. ممنوعیت ایذاء و آزار، هجو، مسخره کردن و انتساب القاب ناروا به افراد
- ۱۱۹..... ۱۰-۲. ممنوعیت قذف
- ۱۱۹..... ۱۱-۲. وجوب حجاب و ستر و کوتاه کردن نگاه
- ۱۲۱..... ۱۲-۲. سخت‌گیری در ادله اثبات جرائم علیه حریم افراد

فهرست مطالب □ ۷

|     |   |
|-----|---|
| ۱۲۳ | ۲-۱۳. توصیه به مخفی نگهداشتن گناه                       |
| ۱۲۵ | نتیجه‌گیری  |
| ۱۲۹ | فصل ۵. پژوهش در ادله‌ی انواع تجسس نامشروع               |
| ۱۲۹ | مقدمه   |
| ۱۳۰ | ۱. تجسس از حریم افراد                                   |
| ۱۳۰ | ۱-۱. حکم تکلیفی و ادله‌ی آن                             |
| ۱۳۱ | ۱-۱-۱. دلیل عقل   |
| ۱۴۴ | ۱-۱-۲. آیات   |
| ۱۵۶ | ۱-۱-۳. روایات   |
| ۱۶۶ | ۱-۱-۴. سیره‌ی متشرّعه                                   |
| ۱۶۷ | ۱-۱-۵. بنای عقلاء                                       |
| ۱۶۸ | ۱-۱-۶. اجماع فقها، مسلمین و بداهت دین                   |
| ۱۷۲ | ۲. تجسس بر ضد حکومت اسلامی                              |
| ۱۷۲ | ۲-۱. حکم تکلیفی   |
| ۱۷۲ | ۲-۱-۱. دلیل عقلی  |
| ۱۷۴ | ۲-۱-۲. آیات   |
| ۱۷۶ | ۲-۱-۳. روایات   |
| ۱۷۶ | ۲-۱-۴. اجماع مسلمین                                     |
| ۱۷۶ | نتیجه‌گیری  |
| ۱۷۹ | فصل ۶. احکام وضعی انواع تجسس نامشروع                    |
| ۱۷۹ | ۱. (برخی از) احکام وضعی نقض حریم و تطلّع از حریم دیگران |
| ۱۸۱ | ۱-۱. موارد ضمان   |
| ۱۸۱ | ۲-۱. موارد عدم ضمان                                     |
| ۱۸۲ | ۲. احکام وضعی تجسس بر ضد حکومت اسلامی                   |
| ۱۸۲ | ۱-۲. کیفر جاسوسی علیه حکومت اسلامی                      |
| ۱۸۵ | فصل ۷. تجسس مشروع                                       |
| ۱۸۵ | مقدمه   |
| ۱۸۵ | ۱. تفحص و تجسس در امر ازدواج                            |

۲. تفحص و تجسس از کودک، نوجوان و جوان توسط ولیّ او ..... ۱۹۱
۳. تجسس و تفحص در اطراف چیزی که افشای آن جائز است ..... ۱۹۳
۴. تجسس مغیبا به انگیزه و غرض شرعی و عقلایی صحیح ..... ۱۹۳
۵. تجسس و تحقیق در مورد امام جماعت ..... ۱۹۷
۶. تجسس در مقام ادای تکلیف واجب نصیحت ..... ۱۹۸
۷. تجسس از کسی که خود ساتر عیوب و اسرار و گناهانش نیست ..... ۲۰۰
۸. تجسس جهت حفظ عرض و آبروی افراد ..... ۲۰۲
۹. تجسس جهت تعیین وصی، قیم و وکیل در امور اولاد ..... ۲۰۴
۱۰. تجسس، تفقد و تفحص حاکم و حکومت اسلامی ..... ۲۰۴
- ۱-۱۰. از احوال محرومان و افراد جامعه اسلامی ..... ۲۰۵
- ۲-۱۰. برای گزینش کارگزاران حکومت اسلامی ..... ۲۱۳
- ۳-۱۰. از احوال و اعمال کارگزاران در مناصب حکومتی ..... ۲۲۲
- ۱-۳-۱۰. ادله‌ی عقلی ..... ۲۲۲
- ۲-۳-۱۰. دلیل نقلی (آیات و روایات) ..... ۲۲۳
- ۳-۳-۱۰. بنای عقلای عالم ..... ۲۲۹
- ۴-۱۰. برای کشف اخلاص و تعهد رعیت ..... ۲۲۹
- ۵-۱۰. از دشمنان ..... ۲۳۰
- ۱-۵-۱۰. دشمن داخل ..... ۲۳۱
- ۲-۵-۱۰. دشمن خارجی ..... ۲۴۲
- ۶-۱۰. دلیل عقلی ..... ۲۴۲
- ۱-۶-۱۰. وجوب حفظ نظام ..... ۲۴۲
- ۲-۶-۱۰. حرمت اختلال در نظام ..... ۲۴۴
- ۳-۶-۱۰. ظلم بودن حرمت تجسس ..... ۲۴۴
۱۱. تجسس از دشمن در سیره رسول اکرم (ص) ..... ۲۴۷
۱۲. مفاد قاعده «لاضرر» ..... ۲۵۲
- فهرست منابع و مأخذ ..... ۲۵۳
- نمایه ..... ۲۷۳



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
«الرَّحْمَنُ عُلِّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ»  
(قرآن کریم، سوره مبارکه الرحمن (۵۵)، آیات شریفه ۳-۱)

### سخن ناشر

این واقعیت که علم ماهیتی توحیدی دارد آموزه‌ای سترگ برگرفته از کلام وحی می‌باشد، آنجا که خداوند متعال، بر «تعلیم» به مثابه «مقامی الوهی» — عُلِّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ (قرآن کریم، سوره مبارکه العلق (۹۹)، آیه شریفه ۵) — و «علم» به مثابه «عطیه‌ای الهی» — وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (قرآن کریم، سوره مبارکه طه (۲۰)، آیه شریفه ۱۱۴) —، تأکید ورزیده و بدین ترتیب، افقی تازه را در مسیر علم‌اندوزی مشخص می‌سازد که امروزه با عنوان کلان «علم دینی» از آن تعبیر می‌شود.

**دانشگاه امام صادق علیه السلام حسب رسالت اولیه‌اش، تاکنون تلاش مستمر و گسترده‌ای را در دو حوزه تعلیم و تربیت، جهت عملیاتی نمودن این آرمان اصیل و کاربردی اسلام، به انجام رسانیده که ثمره آن، پرورش نسل تازه‌ای از فارغ‌التحصیلان و انتشار مجموعه‌ای ارزنده از آثار در حوزه علوم انسانی اسلامی می‌باشد. با اینحال، باید توجه داشت که عرصه علم و علم‌آموزی را حدّ و اندازه‌ای نیست و تلاش برای توسعه مرزهای دانش در افق اصول هنجاری دین، امری مستمر و بی‌انتهاست.**

بر این اساس، معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام همزمان با عملیاتی نمودن طرح‌های نخستین در زمینه طرح مباحث میان‌رشته‌ای با تأکید بر معارف اسلامی در حوزه علوم انسانی، اقدام به تدوین و اجرای طرح‌های تکمیلی‌ای نمود که سطح عالی‌تری از تولید دانش را در این خصوص دنبال می‌نماید. طرح تحقیق، تولید و انتشار مجموعه «مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی»، از جمله پروژه‌های راهبردی دانشگاه به شمار می‌آید که از نیمه دوم سال ۱۳۸۹ در دستور کار اداره کل پژوهش دانشگاه قرار گرفت و هم‌اکنون خرسند هستیم که ثمرات این جهاد علمی را می‌توانیم خدمت اساتید، دانشجویان و محققان ارجمند تقدیم نماییم.

مجموعه «مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی»، در پی آن است تا عمده‌ترین مفاهیم (درون‌دینی و برون‌دینی) را در این حوزه، به بحث، بررسی و تحلیل گذارد؛ و در این خصوص از همیاری تمامی کارشناسان برجسته و آگاه به علوم انسانی اسلامی استقبال به عمل می‌آورد. در این طرح، مفاهیم با تأکید بر اصول دینی و در چارچوب گفتمان «اسلامی» مورد بررسی قرار گرفته و سعی می‌شود تا در قالب الگویی واحد، مبانی و اصول مورد نظر و نحوه کاربست آنها برای مخاطبان تبیین شود.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ضمن درخواست از تمامی پژوهشگران متعهد و آگاه برای همکاری با دانشگاه، آمادگی خود را جهت دریافت نقدهای سازنده با هدف ارتقای متون منتشر شده در چاپ‌های بعدی اعلام می‌دارد. امید آن که شاهد تقویت و گسترش هر چه بیشتر ایده «علم دینی» در آینده نزدیک باشیم.

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

«أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

(قرآن کریم، سوره مبارکه الاعراف (۷). آیه شریفه ۵۴)

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام

## مقدمه

پژوهش در موضوعات جدید و مستحدثه در علوم انسانی از جمله بایستی‌های مهم محققان علوم انسانی می‌باشد چه آنکه پرداختن به این موضوعات به لحاظ نیاز جوامع اولاً و به لحاظ اینکه اهتمام فقه در تمام عصور و امصار بر پرداختن به این موضوعات است، حائز اهمیت والایی است و پویایی فقه در گرو پرداختن به این دسته از موضوعات است. در بین این موضوعات گروهی مفاهیم بنیادین علوم انسانی را تشکیل می‌دهد که فروع بسیاری از این دسته از موضوعات استخراج می‌گردد و بر این موضوعات آثار عدیده‌ای از لحاظ عملی و علمی مترتب می‌باشد. در این میان یکی از مفاهیم مستحدث و بنیادین در حوزه فقه سیاسی تجسس از حریم افراد می‌باشد. در نگارش حاضر نگارندگان ضمن تحلیل مفهوم تجسس در عرف، لغت و شرع و تبیین مفهوم و معیار حریم در نظام فقهی شیعه ابتدا به ادله‌ای که در اسلام محرم تجسس به عنوان عملی مجرمانه هستند، پرداخته و سپس در فصلی جداگانه به مواردی که تجسس از آنها مجاز و مباح به نظر می‌رسد، می‌پردازد. به‌طور کلی می‌توان گفت تجسس در اسلام با توجه به عموماتی از آیات و روایات و حکم عقل و سیره به‌طور مطلق حرام و ممنوع می‌باشد اما ادله‌ای نیز وجود دارد که نشان می‌دهد در برخی از موارد تجسس جائز است. البته در تمام این موارد ظاهراً اباحه از باب ضروریات است و بسان اکل میته است و لذا باید حسب ضابطه

ضروریات عمل نمود و آن را به اندازه‌ای که ضرورت بدان حاصل آید تقلیل نمود چنانکه فقها گویند: "الضرورات تتقدر بقدرها". نه اینکه با نام جواز و اباحه به هتک کلی حریم افراد پردازیم. از سوی دیگر آنچه بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد این است که حتی در موارد مباح نیز ضابطه این است که به هیچ وجه نتیجه‌ی آن اشاعه‌ی فحشا و منکر نباشد که در این صورت باز در شمول نهی و تجسس ممنوع خواهد بود.

**حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمد حسن حائری**

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

**احسان علی اکبری بابوکانی**

دانشجوی دکترای فقه و حقوق اسلامی

و معاون پژوهشی دانشگاه غیرانتفاعی امین

## کلیات

برای تبیین هر موضوعی ابتدا ضروری است، از مسائلی همانند محل نزاع یا پرسش اصلی، اهمیت موضوع، سابقه و پیشینه‌ی تحقیق و پژوهش، غایت و هدفی که مطلوب بوده و داعی و انگیزه‌ی نگارش را در نگارنده ایجاد نموده، روش پژوهش، گردآوری داده‌ها و پردازش آنها سخن به میان آوریم، تا خواننده با دیدی بهتر و شفاف‌تر بتواند به تحلیل و پردازش مطالب بپردازد. در تمام پژوهش‌های علمی دنیا نیز برای این مسائل اهتمام ویژه‌ای را قائلند چنانکه حتی قبل از داوری مطالب اصلی هر نگارش، ابتدا موضوعاتی که بیان شد مورد توجه و در صورت قدرت برای اقناع ذهن داور، اصل و محتوای نگارش نیز مورد توجه و داوری قرار می‌گیرد به عبارت دیگر کلیات و تعاریف ابتدایی آینه‌ای برای خواننده در درک بهتر محتوا می‌باشد؛ لذا بایسته است ابتدا به این مسائل بپردازیم.

از آنجائی که تحریر موضوع و پرسش مورد بحث و محل نزاع در هر مسأله‌ای برای فهم بهتر و احتراز از اطاله در گفتار مفید است، ابتدا به تحریر محل نزاع می‌پردازیم. این رویه رویه‌ای منطقی است که نقل شده است سقراط حکیم قرن ها قبل از میلاد مسیح(ع) قبل از گفتگوی عقلی و دیالکتیک با دانایان آتن از آنها تحریر و تعریف مورد و موضوع بحث را درخواست می‌نمودند.

## ۱. بیان محلّ نزاع و پرسش اصلی پژوهش

یکی از محرّمات مسلّم و قطعی در اسلام، تجسس و تفتیش از اسرار، عورات، پنهانی هاو به طور کلی حریم افراد است، چنانکه برخی از فقها مدّعی اجماع<sup>۱</sup> و اتفاق فقها بر حرمت آن می‌باشند- در ادامه به آن اشاره

۱. اجماع در لغت به معنای عزم و اتفاق است. اما در اصطلاح به اتفاق خاص گویند. در مباحث زیر به طور اجمال توضیح داده خواهد شد؛ و پژوهندگان برای فهم تفصیلی آنها به مآخذ مذکور رجوع فرمایند. الف- تعریف اجماع از نظر امامیه و اهل سنت؛ علمای اهل سنت در تعریف اجماع عبارات گوناگونی را بکار برده‌اند. غزالی می‌گوید اجماع از اتفاق امت محمد بر یک امر مذهبی، (المستصفی من علم الاصول، ج ۱، ص ۱۷۳ و ۱۸۳) سیف الدین آمدی می‌گوید: اجماع عبارت است از اتفاق حقوقدانان اسلام در هر عصر بر حکم واقعه‌ای از وقایع (الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۱، ص ۱۰۱)؛ مالکیه می‌گویند: اجماع عبارت است از اتفاق اهل مدینه. (الاصول العامه للفقّه المقارن، ص ۲۵۵) امامیه نیز در تعریف اجماع تعبیر گوناگونی دارند. میرزای قمی اجماع را عبارت از اتفاق جماعتی که اتفاق آنها کاشف از رأی معصوم باشد می‌داند. (قوانین الاصول، ج ۱، ص ۳۴۹) صاحب معالم می‌گوید: اجماع عبارت است از اتفاق جماعتی که اتفاق آنها کاشف از رأی معصوم بر امری از امور دینی باشد. (معالم الدین فی الاصول، ص ۱۷۴) سید مرتضی در حجّیت اجماع امامیه می‌گوید: چون هیچ زمانی زمین زمین خالی از معصوم نبوده و اجماع امامیه مشتمل بر قتل معصوم می‌باشد پس اجماع امامیه حجت است و دلیل قاطعی به شمار می‌رود. (الانتصار، ج ۱، ص ۵) اجماع از دیدگاه اهل سنت و شیعه تفاوت‌های اساسی دارند که عبارت است از: اجماع از دیدگاه اهل سنت ذاتاً حجت است. ولی امامیه اجماع را از باب طریقیّت حجت می‌داند یعنی اگر اجماع کاشف از قول معصوم باشد، حجت است. (انوار الهدایه، ج ۱، ص ۲۵۴) طبعاً باید گفت اجماع نزد امامیه جزئی از سنت است. به اصطلاح منطقیین قسم سنت است. ولی اهل سنت آن را قسیم سنت می‌شناسند. اهل سنت اتفاق مجتهدین را ضروری می‌دانند اما امامیه نه تنها چنین اتفاقی را لازم نمی‌دانند، بلکه بعضاً در مثل «اجماع تشرّفی» تنها به قول معصوم نیز اجماع اطلاق می‌گردد. (انوار الهدایه، ج ۱، ص ۴۸) پس از رحلت رسول اکرم (ص) بین مسلمین بر سر جانشینی آن حضرت اختلاف پدیدار گشت و به اعتقاد اهل سنت چون راه حلی در کتاب خدا و سنت پیامبر یافت نمی‌شد، در نتیجه جانشین آن حضرت با نظر اکثریت اهل حل و عقد از طریق شورا تعیین گردیده است؛ و به مرور این روش مبنای قانون گذاری قرار گرفته است. (حاشیه‌ی فوائد الاصول، ص ۴۸) در کتاب اصول فقه مرحوم مظفر می‌فرمایند: پس از انتخاب ابی بکر به امامت و جانشینی رسول اکرم (ص) چون دلیلی از قرآن و سنت نبوی بر این امر نیافتند، پس از طریق اجماع به آن شرعیّت دادند و گفتند: ۱- مسلمین مدینه (اهل حل و عقد مدینه) به اتفاق با ابی بکر بیعت کردند. ۲- امامت و جانشینی پیامبر از فروع دین است. ۳- اجماع در مقابل قرآن و سنت دلیل مستقلی بوده

ادامه در صفحه بعد

و حجیت دارد. سپس این مبنا را توسعه داده، و در تمام مسائل شرعیه فرعیه جاری ساختند. (اصول فقه، ج ۳، ص ۹۹) گرچه هر سه بند این استدلال مخدوش است. و جای رسیدگی آن، مقام دیگر می‌طلبد. اما به صورت اجمال باید گفت: بنداول مردود است زیرا علی بن ابی طالب و بسیاری از بنی هاشم و غیر بنی هاشم همانند: ابوذر، مقداد، عمار ابتدا با ابی بکر بیعت نکردند. برخی معتقدند که علی بن ابی طالب تا آخر عمر نیز با وی بیعت نکردند. (شیعه در اسلام، ص ۱۶) و آنهایی که می‌گویند: علی (ع) بعد از شهادت همسرش با ابی بکر بیعت کرده بی شک به صورت اجبار بوده است و سعد بن عباده (قتیل الجن) تا دم مرگ نیز بیعت نکردند. در جواب بند دوم باید گفت: امامیه، امامت را استمرار نبوت دانسته، و آن را از اصول دین به شمار می‌آورد. بند سوم نیز باطل است، زیرا اجماع خود دلیل مستقلی در عرض و کنار قرآن و سنت نیست.

این حزم اقسام اجماع از نظر اهل سنت را به شرح زیر بر می‌شمرد: ۱- اجماع صحابه؛ ۲- اجماع هر عصر؛ ۳- در هر موردی که اختلاف نظر وجود نداشته باشد؛ ۴- اتفاق جمهور؛ ۵- قول اکثریت و جمهور با هم؛ ۶- اتفاق اهل مدینه؛ ۷- اتفاق اهل کوفه. سپس می‌فرمایند: انواع حماقت از انواع خرما بیشتر است. در عین حال تمام گروه‌ها در صحت اجماع صحابه اتفاق نظر دارند. (ابن حزم، الاحکام فی اصول الاحکام، ج ۱، ص ۱۴۴) به دلیل آنکه حجیت اجماع از نظر امامیه زمانی است که آن اجماع بر گرفته از قول معصوم باشد. پس این کاشفیت به به شش صورت متصور است: ۱- دخولی (گروهی از علمای گذشته همانند سید مرتضی اجماع دخولی را پذیرفته‌اند و آن عبارت است: علم اجمالی به دخول امام در جمع افرادی که در مسأله اتفاق نظر دارند، اگر چه امام را نشناسیم که کدامیک از مجمعین است). (الذریعه الی اصول الشریعه، ج ۲، ص ۶۳۰). ۲- لطفی (برخی دیگر مثل شیخ طوسی اجماع لطفی را پذیرفته‌اند، به این بیان که اگر اجماع کنندگان در مسأله‌ای به خطا رفته باشند بر امام معصوم بر اساس قاعده‌ی لطف لازم است که القاء خلاف کند و آنان را به هر صورت ممکن از خطا بر حذر دارد و چون چنین چیزی تحقق نیافته پس اجماع آنان حجت است (کفایه الاصول، ج ۲، ص ۷۴) ۳- حدسی (اکثر متأخرین قائل به اجماع حدسی هستند، به این بیان که هر گاه علما بر مسأله‌ای اتفاق کنند، به حکم عقل و عادت می‌توان پی برد، و حدس زد که این نظر منطبق بر واقعیات دین است. و امام معصوم نیز با آن موافق است). (انوار الهدایه، ج ۱، ص ۲۵۷) ۴- کشفی (به این معنا که اتفاق علما و اندیشمندان در مسأله‌ای کاشف از دلیل معتبری است که از نظر دور مانده است). ۵- تقریری (دسته‌ی دیگر معتقد بر اساس قاعده تقریر به ملازمه‌ی بین مجمعین و امام معصوم می‌باشند، زیرا اگر جمله‌ی به خطا رفته باشند، بر امام از باب ارشاد جاهل واجب است آنان را به هر طریق ممکن متنبه کند؛ و چون در مورد اجماع چنین چیزی رخ داده است، پس با تقریر امام کشف حجیت آن اجماع می‌گردد). ۶- تشریفی (اجماع تشریفی به این است که برای اوحدی از مردم رخ می‌دهد که در زمان غیبت امام زمان به حضور امام شرفیاب می‌شود، و حکمی را از آن حضرت مستقیماً دریافت می‌کند، و چون نمی‌خواهد اصل واقعه را بیان می‌کند، می‌گوید این حکم اجماعی است. مراد او شخص امام معصوم است زیرا امام واحد کالکل ادامه در صفحه بعد

است (کفایة الاصول، ج ۲، ص ۷۴). از نظر امامیه حجیت اجماع از جهت کاشفیت از قول معصوم است. لذا اجماع به طور مستقل ارزشی ندارد بلکه در واقع جزئی از سنت است. توضیح اینکه به برهان سبر و تقسیم می‌گوییم: اجماع و اتفاقی که بین علما و فقها صورت گرفته یا بی دلیل بوده و یا همراه دلیل است. و چون عادتاً محال است که بگوییم بی دلیل بوده زیرا با ورع و تقوای آنها سازگار نیست، مضافاً به اینکه اگر معتقد باشیم آنان بی حساب و بدون مستند سخن گفته‌اند، نتیجه اش بی اعتمادی به سخنان و گفتار آنان در دیگر امور خواهد بود پس به یقین اتفاق و اجماع آنها مستند به دلیل است، دلیل و مستندات احکام نیز منحصرأ چهار چیز خواهد بود، (قرآن، سنت، اجماع و عقل) بنابراین باید دید کدامیک از ادله‌ی چهارگانه مستند آنان بوده است. اما قرآن، با توجه به اینکه آیات الهی در دسترس همه است و تحریفی در آن رخ نداده، طبعاً قرآن مستند آنان نبوده است، والا ما نیز بدان دسترسی می‌داشتیم. اگر کسی بگوید مستند آنها آیه‌ای از قرآن بوده که فهم آن بر ما مجهول مانده است، در پاسخ باید گفت: فهم علما بر ما حجت نخواهد بود. به ویژه آنکه چنین فهمی کاشف از قول معصوم نیست. نمی‌توان گفت: مستند قائلین به حجیت اجماع «اجماع» بوده است زیرا این «دور» خواهد بود، و دور باطل است. اهل سنت برای اثبات حجیت اجماع به آیات و روایات و عقل تمسک جسته‌اند. اما آیات ۱- خداوند متعال می‌فرمایند: «هر کس پس از روشن بودن راه حق بر او، با رسول خدا به مخالفت برخیزد و راهی غیر از طریق ایمان پیش گیرد وی را به همان طریق باطل و راه ضلالت که برگزیده واگذاریم و او را به جهنم افکنیم که آن مکان برای او بد منزلگاهی است». (سوره نساء، آیه ۱۱۵) ۲- در آیه‌ی دیگر آمده است: «و چون در مورد چیزی که کار شما به گفتگو و نزاع کشید به حکم خدا و رسول بازگردید». (سوره‌ی نساء، آیه ۵۹) مفهوم آیه این است که در مورد اتفاق نظر رجوع به خدا و پیامبر لازم نیست، بلکه خود آن اتفاق حجت است؛ و اما معروف ترین روایات خبر نبوی است که فرموده: امتم بر امر خطا اتفاق نخواهند کرد. (سوره مبارکه نساء، آیه ۱۱۵). در جواب از آیات و روایات باید گفت: با چنین ادله‌ای تنها تعریف غزالی از اجماع صحیح بوده، که اتفاق امت محمد(ص) را تعریف اخذ کرده است، در آن صورت باید پرسید آیا امکان چنین اتفاقی وجود دارد. یا در واقع این یک همه پرسه محال بیش نخواهد بود. چنین اجماعی فقط در بعضی از ضروریات دین مثل وجوب نماز، روزه، حج و... قابل تحقق است. همان گونه که کلمه‌ی «المؤمنین» در آیه‌ی مبارکه دارای الف و لام است و چنین جمعی افاده عموم می‌کند. طبعاً سبیل کل مؤمنین همان اتفاق امت محمد(ص) است. در توجیه دلیل عقلی می‌گویند: عادتاً محال است تمام صاحب نظران بدون دلیل بر امری اتفاق نظر داشته باشند. در جواب باید گفت: از عقلا از حیث اینکه عقلایند. اما اشتباه و غفلت و یا بعضی از دواعی نفسانی محال نیست. ادله‌ی اهل سنت به صورت مشروح در کتاب اصول فقه ج ۳ ص ۱۰۰ آمده است.



خواهد شد؛ به عبارت دیگر از دیدگاه اسلام کسی حق ندارد در امور خصوصی و اسرار فردی مسلمانان سؤال، تجسس و تفتیش نماید. بر این ادعا می‌توان ادله‌ای نیز که از دیدگاه شیعه دارای اعتبار و حجیت<sup>۱</sup> است همانند: آیات، روایات، حکم عقل، اجماع، سیره و... دلیل اقامه نمود؛ برای مثال صریحاً در قرآن کریم<sup>۱</sup> آمده است:

---

۱. حجت در لغت به معنای دلیل و برهان است، و در اصطلاح در دو جا به کار می‌رود: حجت در علم منطوق و حجت در علم اصول. حجت منطوق عبارت است از قیاس، استقراء، تمثیل، به دیگر سخن قضایا یا تصدیقات معلومی که موجب تصدیق مجهولی گردد، حجت نام دارد. گاهی به «حد وسط» حجت گویند. (اصول فقه، ج ۲، ص ۱۵۴) حجت اصولی عبارت است هر چیزی است که متعلق خود را به حسب جعل شرعی اثبات کند. به بیان دیگر هرگاه مکلف به چنین حجتی عمل کند و عمل او با واقع مطابقت نکند، می‌تواند به وسیله آن بر مولی احتجاج کند، و خود را در عمل به آن معذور بداند. اگر بر طبق آن عمل نکند در نتیجه واقع از او فوت شده باشد، مولی می‌تواند بدان وسیله احتجاج کرده و او را در خور کبر بداند. با این تعریف حجت شامل ادله، امارات و طرق است. برخی از علمای اصول برای حجیت دو معنی ذکر کرده اند: ۱- «حد وسط و طریق به واقع» ۲- «غلبه» بر مخالف و قاطع عذر بودن. اطلاق حجت به این معنا بر امارات بر سزاوارتر است. حجت به معنای اول را می‌توان به شارع نسبت داد. در حالی که حجت به معنای دوم را نمی‌توان به شارع نسبت داد. (تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۱۵۴) حجت در علم اصول بر دو نوع است: ۱- حجت ذاتیه، علم و قطع حجیت ذاتیه دارند. یعنی از لوازم ذاتیه قطع طریقت آن از واقع است. حتی بعضی از علمای اصول قطع را عین طریق می‌دانند، و می‌گویند قطع یعنی رؤیت مقطوع (فرائد الاصول، ص ۲؛ الاصول العامه للفقهاء المقارن، ص ۳۰) بدیهی است که «ثبوت الشيء لنفسه» ضروری است. بنابراین توهم جعل طریقت برای قطع مردود است. به بیان دیگر قطع و طریقت از لوازم ماهیت قطع نیست بلکه از آثار وجود قطع است. وقتی قطع طریقت تکوینی باشد و به جهت وجودش کاشف باشد، نمی‌شود مورد جعل تشریعی قرار گیرد زیرا تحصیل حاصل است. لذا نمی‌شود از نظر تشریعی برای خورشید جعل نور و برای آتش حرارت جعل کرد چه آنکه روشنی و حرارت از آثار وجود آتش و خورشید است. ۲- حجیت عرضیه، امارات و اصول حجیت عرضیه دارند. یعنی بر اساس جعل شارع و یا به حکم عقل حجت هستند. آیا اطلاق حجت بر امارات صحیح است یا خیر. برخی گویند: اگر در امارات قائل به سببیت باشیم، اطلاق حجت بر آنها صحیح است اما اگر قائل به طریقت امارات باشیم، اطلاق حجت بر آنها صحیح نمی‌باشد. (اصطلاحات الاصول، مبحث حجت)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها (ظن‌ها) پرهیزید؛ چه آنکه بعضی از آن‌ها گناه است، و تجسس نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را روا ندارد. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر (دینی) خود را درحالی‌که مرده است، بخورد. البته که کراهت و نفرت دارید و پروا و تقوای الهی داشته باشید (توبه کنید)؛ زیرا خداوند قطعاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است».<sup>۲</sup>

در این آیه‌ی شریفه فعل نهی «لاتجسسوا» به کار رفته است که مطلق<sup>۳</sup> است و هیچ قیدی ندارد یعنی در آیه نیامده است که «لاتجسسوا من العدول» (از انسانهای عادل تجسس نکنید) تا به واسطه‌ی این قید و به حکم مفهوم وصف «عدول» در آیه بگوییم تجسس از غیر عادل پس جائز است، بلکه به‌طور مطلق تمام انواع تجسس نهی شده است؛ بنابراین آیه شریفه بواسطه اطلاق خود دلالت (ظهور) دارد بر اینکه تجسس به‌طور مطلق از منظر اسلام حرام است؛ علمای علم اصول فقه نیز معتقدند: صیغه افعال نهی ظهور و

۱. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَغْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ». سوره ی مبارکه حجرات: آیه ۱۲

۲. برای تفسیر آیه شریفه فوق ر.ک: طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۳۷؛ طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا)، التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، ص ۳۵۰؛ سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۶، ص ۹۲؛ طبری، محمد بن جریر (۱۳۲۴)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر کبیر)، ج ۲۶، ص ۸۵؛ رازی، فخرالدین محمد (۱۳۷۳)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، ج ۲۸، ص ۱۳۴؛ انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۲۰)، الجامع لتفسیر القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۱۶، ص ۳۳۲؛ خوارزمی زمخشری، ابوالقاسم محمد (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل (تفسیر کشاف)، ج ۴، ص ۳۷۱؛ کاظمی، جواد (بی‌تا)، مسالک الافهام الی آیات الاحکام، ج ۲، ص ۴۱۵؛ طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۸، ص ۳۵۲.

۳. مطلق در لغت به معنای رها و شایع می‌باشد. و در اصطلاح مطلق کلمه‌ای است که دلالت کند بر معنایی که دارای افرادی باشد. مثل لفظ انسان. و مقید کلمه‌ای است که با افزودن قیدی دایره‌ی شمول آن محدود می‌گردد. (کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۷۶؛ قوانین الاصول، ج ۱، ص ۳۲۱ و ۳۲۲)

دلالت<sup>۱</sup> بر حرمت دارد (بشروی الخراسانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۹؛ مظفر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۲). آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارند، که اجمالاً از آنها مذموم بودن و قبیح بودن-که در ادامه به تحلیل نحوه دلالت این آیات می‌پردازیم- تجسس نزد شارع مقدس (خداوند) استفاده می‌شود؛ که عبارتند از:

«قطعاً آنان که دوست دارند فاحشه (کارهای زشت) در میان مؤمنان رایج گردد، برایشان عذابی دردناک است».<sup>۲</sup>

«کار نیک آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از درب (اصلی) خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار شوید».<sup>۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید؛ تا زمانی که اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است، شاید که متذکر شوید. و اگر کسی را در آن جا نیافتید، داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد باز گردید،

۱. دلالت کیفیتی است در چیزی که اگر کسی آن کیفیت را بداند بدان وسیله منتقل به دانستن چیز دیگری می‌شود، و دارنده‌ی آن کیفیت را دلیل گویند، چنانچه دود دلیل آتش می‌باشد. (الوافیه فی اصول الفقه، ص ۲۲۹)

۲. «إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ». سوره مبارکه نور: آیه ۱۹؛ رک: خوارزمی زمخشری، ابوالقاسم محمد (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل (تفسیر کشاف)، ج ۳، ص ۲۲۱؛ طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۳۲؛ انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد (۱۴۲۰)، الجامع لتفسیر القرآن (تفسیر قرطبی)، ج ۱۲، ص ۲۰۶؛ طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر طبری)؛ ج ۱۸، ص ۸۰؛ عروسی حویزی، عبدالعلی (۱۴۱۲ق)، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۵۸۲.

۳. «وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». سوره مبارکه بقره: آیه ۱۸۹

بازگردید که برای شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.<sup>۱</sup>

بنابر این علاوه بر تصریح بر حرمت تجسس به نحو مطلق در قرآن کریم، آیاتی نیز وجود دارد که اجمالاً متضمن قبح تجسس نزد شارع مقدس می‌باشد. در کتب حدیثی شیعه و سنی نیز روایات بسیاری وجود دارد، که یا صریحاً دلالت بر حرمت تجسس دارند و یا اجمالاً قبح آن نزد شارع را می‌رسانند.

برای مثال:

امام صادق(ع) می‌فرماید: «جهالت در سه چیز است: برادران (دوستان) خود را عوض کند (یعنی دوستی را که دارد، بدون جهت ترک کرده و به جای او با کسی دیگری دوستی گزیند). و بدون بیان علت با کسی قطع رابطه نماید و تجسس از چیزی که مورد احتیاج و غرض عقلانی او نیست».<sup>۲</sup>

امیرمؤمنان علی(ع) خلیفه مسلمین به والی خود مالک اشتر نخعی در کشور مصر مالک اشتر نخعی اینگونه می‌نویسند: «دورترین و مبعوض‌ترین رعیت‌ها در نزد تو، باید آنها باشند، که در عیوب مردم بیشتر از همه کنجکاو و پیگیری می‌نمایند؛ زیرا در مردم عیب‌هایی هست، که والی و حاکم سزاوارتر به پوشاندن آنهاست، پس حتماً چیزهایی که از تو غائب (و نهان) است را، افشا نکن، همانا تو مکلف هستی به آنچه که ظاهر است و خداوند متعال حکم می‌کند بر آنچه که غائب و از تو پنهان است».<sup>۳</sup>

۱. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُذَكَّرُونَ. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ». سوره مبارکه نور: آیه ۲۷ و ۲۸

۲. «الجهل في ثلاث: في تبدل الإخوان و المنابذة بغير بيان و التجسس عما لا يعني». حرانی، حسن (۱۳۵۴)، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۴۳

۳. «ولیکن أبعث رعیتک منک و أشنؤهم عندک أطلبهم لمعایب الناس، فإن فی الناس عیوباً، الوالی احق من سترها، فلا تُکشفن عما غاب عنک منها علیک تطهیر ما ظهر لک، والله یحکم علی ما غاب عنک فاستر العورة ما استطعت». نهج البلاغه؛ فیض الاسلام؛ ص ۹۹۷؛ نامه ۵۳

از رسول مکرم اسلام(ص) نیز نقل شده است که فرمودند: «از ظن (گمان بد در حق دیگران) دوری کنید؛ زیرا که ظن بد، دروغ‌ترین حدیث (نفس) است و تجسس و تجسس نکنید».<sup>۱</sup>

روایات پیرامون حرمت و قبح تجسس از حریم افراد بسیار وجود دارد که در ادامه نگارش به‌طور مفصل به تحلیل و بررسی آنها خواهیم پرداخت. بجز آنچه از آیات و روایات دال بر حرمت تجسس از حریم افراد اشاره گردید، اجماع فقها بر حرمت تجسس از حریم افراد نیز وجود دارد (کاظمی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۴۹). اجماع قبلاً به‌طور مفصل در پی نوشت بررسی گردید و گفتیم که نزد شیعه اجماع در صورتی که کاشف از قول معصوم باشد حجت است یعنی هیچ دلیلی بر حجیت مورد اجماع بجز اجماع نباشد. اما اگر آیات و روایات دال بر مطلب بود مستند اصلی همان آیات و روایات می‌باشد و اجماع فاقد حجیت می‌باشد. اجماع مورد ادعای ما نیز دارای مدرک است لذا فاقد حجیت برای استدلال می‌باشد.

از سوی دیگر تجسس از حریم خصوصی افراد بدون غرض عقلانی و برای کشف عورات و اسرار دیگران مصداق ظلم و به حکم عقل قبیح و مذموم است.<sup>۲</sup> بنابراین آیات و روایات در واقع ارشاد و حاکی از حکم عقل است.

با وجود ادله‌ایی حاکی از حرمت تجسس می‌بینیم که در سیره رسول مکرم اسلام(ص) و ائمه معصومین(ع) عمل تجسس در برخی موارد انجام شده است - حتی گاهی خود معصوم مبادرت به تجسس کرده است - که اگر

۱. «إياكم و الظن فان الظن أكذب الحديث و لا تحسسوا و لا تجسسوا». محمدی ری شهری، محمد

(۱۳۸۴)، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۲ به نقل از صحیح مسلم

۲. ادله‌ی دیگر عقلی نیز بر حرمت وجود دارد که در فصل دوم به‌طور مبسوط مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از این موارد استفاده و جوب تجسس و یا استحباب نکنیم، حداقل مباح بودن تجسس در برخی موارد از آنها بدست می‌آید.<sup>۱</sup>

۱. برای نمونه حضرت امام علی بن حسین (ع) در مورد کشف حال یکی از زنان خود که فردی او را متهم به خارجی بودن و سبابه امیرالمؤمنین (ع) بودن نمود، تجسس فرمودند تا به حقیقت برسند و گزارش کننده را توبیخ نکرده و فرمودند که چرا گزارش کردی و به اصالة الصحه اکتفا نمودی؟ نص روایت اینگونه است: زراره نقل می‌کند، امام باقر (ع) فرمودند: مردی حضور حضرت علی بن حسین (ع) آمد و عرض کرد: زن شیبانیه شما خارجی است (یعنی از خوارج است) و به علی (ع) فحاشی می‌کند، و اگر (به حرف من اعتماد نمی‌کنید) می‌خواهید خود شما شاهد قضیه باشید، کاری می‌کنم که شما خودتان بشنوید، حضرت فرمودند: آری، آن مرد گفت: هنگامی که می‌خواهید از خانه خارج شوید، برگشته و در گوشه‌ای مخفی شوید، حضرت روز بعد خود را در گوشه‌ای مخفی نمود و آن مرد آمد و با زن شیبانیه صحبت کرد (و زن مثل همیشه به حضرت علی (ع) هتاک و فحاشی نمود) و واقعیت روشن شد، سپس حضرت او را طلاق داده و رها کرد، در حالی که مورد توجه حضرت بود (حضرت او را دوست داشتند). (جرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، ج ۱، ص ۴۲۵) از حدیث فوق اولاً استفاده می‌شود که: حضرت گزارشگر را به خاطر تجسس در امور خصوصی دیگران، غیبت و سعایت منع و حظر نکرده‌اند و ثانیاً خود امام با استراق سمع و مخفی شدن، به تجسس از اسرار خصوصی همسر خود می‌پردازند. در جائی دیگر نیز معصوم به تجسس از غلام‌ها و کنیزهای خود می‌پردازند، که متن روایت آن بدین قرار است: «حسین فرزند امام موسی بن جعفر (ع) از مادرش روایت می‌کند، که گفت: امام موسی بن جعفر (ع) در پشت بام خوابیده بودند و من پایشان را می‌مالیدم، ناگهان حضرت با عجله از جا بلند شده و به محلی دیگر رفتند، من هم پشت سر ایشان رفتم، مشاهده کردم که امام به سخنان دو نفر از غلامانشان که با دو نفر از کنیزان - که دیواری بین آنها حائل بود - صحبت می‌کردند، گوش می‌دهند. حضرت چون مرا دیدند، فرمودند: کی این جا آمدی؟ عرض کردم: همان وقتی که شما با عجله این جا آمدید، من هم دلوپس شده و پشت سر شما آمدم. فرمودند: صحبت‌های آن‌ها را شنیدی؟ گفتم: آری، حضرت فردا صبح، غلامها را به شهری و کنیزها را هم به شهری دیگر فرستادند.»<sup>۱</sup> این حدیث نشان می‌دهد که امام (ع) با وجود اطلاقات و عموماتی دال بر حرمت تجسس، برای کشف اعمال خلاف غلامان و کنیزان خود تحقیق و تفتیش کردند. در سنن رسول الله (ص) نیز نقل شده است که: «از سیره رسول الله در میان امت بود... از مردم حذر و از خود حراست می‌نمودند، بدون اینکه در قیافه و اخلاقش فرقی ظاهر گردد، و از اصحاب خود تفقد (تفحص و تجسس) می‌نمود (اگر کسی را نمی‌دیدند، حال او را می‌پرسید: چرا نیست؟ کجا رفته؟ مریض است یا سالم؟) و از آنچه در بین مردم بود (از جریانه‌ها، خوبی‌ها و بدی‌ها) می‌پرسیدند، (و تحقیق می‌نمودند) خوب را تحسین و بد را تقیح و تضعیف می‌کردند.» (طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۳)، سنن النبی، ص ۱۶۰) سیره نبوی نشان می‌دهد که ولی امر مسلمین از جریان‌های میان مردم، خوبی‌ها، بدی‌ها و قضایا تحقیق

ادامه در صفحه بعد

از سوی دیگر علاوه بر این موارد و مصادیقی که دال بر جواز تجسس از بیان ائمه و سیره‌ی نبوی ذکر گردید، حفظ نظام (به معنای حفظ تمامیت حکومت اسلامی و حفظ انتظام امور مردم) و جلوگیری از اختلال در آن از مسائل بسیار مهم حوزه‌ی فقه سیاسی است، که فقها حکم تکلیفی آن را وجوب دانسته و از ادله‌ی معتبر در فقه امامیه از جمله آیات، روایات و... برای اثبات این حکم استمداد می‌گیرند؛ برای مثال مرحوم شیخ انصاری در باب اخذ اجرت بر واجبات می‌فرمایند:

«قطعاً وجوب صنایع و حرفه‌ها مشروط به بذل عوض در مقابل عمل نمی‌باشد زیرا این‌ها برای اقامه و برپایی نظام لازم‌اند و حال آنکه اقامه‌ی نظام از واجبات مطلقه می‌باشد» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۰۳).

یکی دیگر از فقها نیز از جمله متاجر و تجارات (مکاسب) واجب را آن تجارتی می‌داند، که تحقق نظام بدان‌ها وابسته باشد (العاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۳). در عین حال که حفظ نظام و نظم به حکم عقل سلیم واجب می‌باشد و فقها آن را جزء امور مسلم و قطعی دین دانسته‌اند، احادیث زیادی نیز در اهمیت آن از رسول اکرم (ص) و ائمه (ع) صادر شده است.<sup>۱</sup>

می‌نماید و به آنها ترتیب اثر می‌دهد، به این صورت که خوب را تحسین و تقویت و بد را تقیح و تضعیف می‌کند.

۱. برای مثال حضرت علی (ع) درباره‌ی آنان که از بیعت با آن حضرت خودداری نموده یا پس از بیعت کردن پیمان خود را شکسته و خواستند جنگ جمل را برپا کنند، فرمودند: «آنان (مخالفان حکومت) در اثر بغض و عداوتشان بر حکومت من، دست به دست هم داده و علیه من جمع شده‌اند و من تا هنگامی که بر اتفاق و عدم پراکندگی شما هراس نداشته باشم، صبر خواهم کرد؛ زیرا آنان اگر این رأی سست و پوچ خود را به کرسی بنشانند، نظام مسلمین از بین می‌رود.» (نهج البلاغه؛ فیض الاسلام؛ خطبه ۱۶۸؛ مجلسی، محمد باقر (بی‌تا)، بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۸۱). بر این اساس امام ملاک اقدام در مقابل مخالفین را، خوف متلاشی شدن نظام می‌داند. یعنی قطع و یقین پیدا کردن به خطر لازم نیست، بلکه تا امارات و علائم بر هم خوردن نظام دیده شود، باید درصدد چاره جوئی برآمد.

بر فرض وجوب حفظ نظام و انتظام امور عباد گاهی برای حفظ نظام، اعانه بر امام و جلوگیری از اخلال در بیضه‌ی اسلام و دیگر اهداف حیاتی مربوط به حکومت اسلامی، ارباب حکومت در بسیاری از موارد ناگزیر از ورود به حریم خصوصی افراد و تجسس از آنها و نقض حریم خصوصی افراد می‌باشند.

حال با وجود ادله‌ای از آیات، روایات و... دال بر حرمت و ممنوعیت تجسس و از سوی دیگر مواردی از سیره، روایات و ادله‌ی عقلی که تجسس را در برخی موارد جائز و مشروع دانسته‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که در چه صورت تجسس از حریم افراد جائز و مباح و در چه صورت و چه مواردی ممنوع است؟

در نوشتار حاضر نگارنده علاوه بر تمرکز بر آنچه به عنوان پرسش اصلی پژوهش گذشت به‌طور استطرادی و برای غنای پژوهش مسائل دیگری همانند: تجسس بر ضد حکومت اسلامی و ادله‌ی آن، مفهوم حریم و حمایت از آن در حقوق و فقه شیعه و برخی از دیگر احکام تجسس را مورد بررسی قرار می‌دهد.

*البته نوشتار حاضر اگر چه به بررسی برخی احکام تجسس بر مبنای فقه امامیه می‌پردازد اما وظیفه‌ی عملی برای مکلفین تعیین نمی‌کند و احراز وظیفه در مقام عمل، مقالی بس والا می‌طلبد که صرفاً در شأن مراجع عظام تقلید بوده و از توان نگارنده پژوهش حاضر خارج است.*

## ۲. اهمیت و جایگاه فقهی

درباره‌ی مسأله تجسس و جاسوسی در زندگی افراد از مناظر مختلف حقوقی، سیاسی، تاریخی، حدیثی و... نگارش‌هایی انجام شده است. اما در موضوع تجسس از حریم خصوصی افراد بحث اجتهادی کافی نشده است و صرفاً به صورت استطرادی در لابه لای کتب فقهی به برخی از احکام



تجسس اشاره گردیده و نشانی از بحث حریم افراد و تجسس از آن به طور مستقل وجود ندارد.

البته در میان علما و فقهای بزرگ معاصر نگارش‌های انجام شده که برخی قاصر از تبیین مطلوب ما و برخی دیگر در مرحله نگارش متأسفانه عقیم مانده است. برای مثال در کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» به برخی از مسائل پیرامون تجسس پرداخته شده است و با نگاه فقه سیاسی به تحلیل این مسأله با ذکر برخی از ادله پرداخته شده است، اما با وجود زحمت و تلاش علمی نگارنده قاصر از تبیین کامل مطلوب در بحث حریم افراد می‌باشد (منتظری نجف‌آبادی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۴۰). برای مثال در کتاب مذکور به صورت گذرا به برخی از مبانی حرمت تجسس اشاره شده و نگارنده همراه با آیه‌ی شریفه «۱۲» سوره‌ی حجرات، احادیث مختلفی از اهل سنت را دال بر مدّعی خود می‌آورند، و کمتر به منظر امامیه پرداخته است، و سپس به برخی از احکام تجسس علیه نظام اسلامی می‌پردازند و در هر حال به جامعیت و تحلیل حاضر نمی‌باشد.

از دیگر فقهای معاصر میرزا علی احمدی میانجی کتابی با عنوان اطلاعات و تحقیقات در اسلام را تألیف نموده و ایشان آن را مشتمل بر سه فصل می‌دانند: فصل اوّل مشتمل بر ادله‌ی لزوم اطلاعات و تحقیقات، فصل دوّم مشتمل بر خطرات و آفات شرعی و عقلی و فصل سوم در کیفیت عمل تجسس در اسلام، که متأسفانه عمر گرانقدر ایشان وفا نکرده و صرفاً فصل اوّل و دوّم را آماده کرده و فصل سوم آن را نگارش نکرده‌اند.<sup>۱</sup> البته ایشان به طور خلاصه به برخی از مبانی حرمت تجسس به طور استطرادی و در ضمن فصل دوّم اشاره دارند و از منابع اهل سنت بیشتر و کمتر از منابع امامیه و به روش فقه امامیه برای مطلوب خود به ارائه دلیل ابتدا بر حرمت و ممنوعیت و سپس به بیان برخی موارد خاص می‌پردازند. اما در مجموع این

۱. ر.ک: احمدی میانجی، علی (۱۳۸۴)، اطلاعات و تحقیقات در اسلام.

کتاب نیز به سؤال اصلی ما پرداخته است و ضمناً موارد خاص جواز و اباحه‌ی تجسس که ذکر می‌نمایند بیشتر به بیانی از وقایع جزئی شبیه است تا بیان ضابطه جواز و اباحه.

بر این اساس، مسأله‌ای به این اهمیت که شاید به جد ادعا نمود که رکن اصلی اداره اطلاعات و استخبارات حکومت اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ با وجود چنین سبقه‌ی اندک به حکم عقل محتاج بررسی دقیق و علمی است و ضابطه ملاک سازی و به عبارات بهتر کشف ملاکات حرمت و ممنوعیت و اباحه دارد. تا این جا به بررسی اهمیت موضوع از جهت اینکه مسبوق به سابقه نبوده پرداختیم. اما تحقیق حاضر از حیث کاربردی و عملی نیز اهمیت بسیار زیادی دارد؛ چه آنکه در مقام عمل تعیین محدوده حرمت تجسس برای جلوگیری از وقوع در هلاکات و اجتناب از ارتکاب محرّمات الهی ضروری است و از سوی دیگر بررسی محدوده‌ی جواز و ضوابط آن نیز برای مکلفین بسیار حائز اهمیت می‌باشد و بر عالم به علم فقه بایسته است، تا به تبیین قلمرو احکام عمل و فعل مکلفین همت گمارد؛ زیرا موضوع علم فقه، فعل مکلف یا موضوع خارجی (وقایع در خارج) از حیث ثابت شدن حکمی<sup>۱</sup> بر آن بوده و احکام و مسائل فقهی بر محور افعال مکلفین یا موضوعات خارجی دور می‌زند، یا مربوط به اعمال، افعال و اقوال مکلفین مثل: صلات، صوم، بیع، تجسس و.... می‌باشد و کار فقیه تحصیل حکم فعل

---

۱. حکم در یک تفسیم بر دو نوع می‌باشد که عبارتند از: حکم تکلیفی که مستقیماً به افعال مکلفین مرتبط می‌باشد، مثل: وجوب، حرمت، اباحه، کراهت، استحباب و حکم وضعی که مستقیماً مربوط به فعل انسان نمی‌باشد، اما غیر مستقیم می‌توان گفت مربوط به فعل مکلف می‌باشد. مثل: بطلان، صحت و... و به طور کلی منظور از حکم شرعی قانون صادر از خداوند متعال است، که برای سامان بخشیدن به زندگی مادی و معنوی انسان‌ها جعل شده است. در این گفتار منظور ما از حکم، حکم تکلیفی می‌باشد.

مکلف یا موضوع خارجی از ادله‌ی تفصیلی با استمداد از ملکه‌ی اجتهاد است.<sup>۱</sup>

### ۳. پیشینه و سابقه‌ی تاریخی

از ویژگی‌های مهم انسان علاقه و اهتمام به کسب اطلاع از وقایع مختلف مرتبط با حریم انسانهای دیگر می‌باشد و وقوف بر اخبار و اطلاعات دیگران که در واقع جزء مکون حریم افراد است، را علاقمند است. و در این راستا در بسیاری مواقع میل به تجسس از حریم خصوصی دیگران نیز دارد، و صرفاً مانع این علاقه‌ی نوع انسان چیزی جز اعتقاد و ایمان به احکام شریعت و اتباع از احکام عقل سلیم نمی‌باشد. از سوی دیگر از زمانی که انسان وجود داشته، همراه با او جنگ و دفاع از خود در مقابل حملات دشمن نیز وجود داشته است و در این راستا وسائل مختلفی را برای دفع اقدامات خصم استفاده می‌کرده است. و در راستای پیش‌برد اهداف خود با جلوگیری از اقدامات دشمن گاهی از تجسس در امور آنها استفاده می‌کرده، چنانکه مثلاً در تاریخ آمده است: مصری‌های چند قرن قبل از میلاد حضرت مسیح (ع) دارای اداره‌ی اطلاعات و مخبرات و جاسوسی بوده‌اند (هانی، ۱۹۷۴ق، ص ۳۳). در حالات اسکندر مقدونی نیز ارباب تواریخ آورده‌اند: او اولین کسی بود که جاسوس و عیونی برای اطلاع از مسائل دشمن گمارد (قلقشندی، ۱۳۳۴ق، ج ۱، ص ۴۲۹).

در قصص الانبیاء، عبدالوهاب نجار می‌گوید: حضرت موسی (ع) قبل از اینکه بنی‌اسرائیل را به بیت المقدس، انتقال دهد، دوازده نفر جاسوس را به آن جا فرستاده، تا کسب اطلاعات کرده و به ایشان خبر دهند (نجار، ۱۴۰۵ق، ص ۲۲۷).

---

۱. ر.ک. مذکور، محمد (۱۳۷۸)، مباحث الحکم عند الاصولیین، صص ۳۸-۳۹؛ فیض، علیرضا (۱۳۸۸)، مبادی فقه و اصول، ص ۱۲۲.

در داستان حضرت سلیمان(ع) و هدهد و ملکه ی سبا نیز اشاره ای به استفاده ایشان از اخبار هدهد از ممالک حاشیه ی مملکت تحت سلطه ی ایشان دارد، چنانکه در قرآن کریم خداوند متعال می فرماید:

«در هر حال سؤال حضرت سلیمان از وجود هدهد، دلالت بر هشیاری و بیداری و زیرکی ایشان و اهتمام کامل به امور جنود خود می باشد و از سوی دیگر استفاده ی ایشان از هدهد به عنوان مخبر حکایت از اهمیّت آن دارد»<sup>۱</sup>.

بنابراین در طول تاریخ هم بواسطه ی جائزین از منه ی مختلف و هم بواسطه ی انبیاء الهی تجسس انجام می شده است. در دین مبین اسلام نیز، در برخی موارد این عمل در زمان رسول مکرم اسلام(ص) و در زمان ائمه(ع) مشروعیت داشته و جائز بوده است، اما در اسلام در بسیاری موارد هم تجسس ممنوع و حرام است و فاعل آن معاقب و مستوجب مجازات می باشد، خلاصه تجسس و علاقه به آن و استفاده از آن از بدو وجود بشر همزاد انسان بوده است.

در فقه شیعه چنانکه در اشاره شد، پیرامون ضوابط، و حیظه ی حرمت تجسس، جواز آن و ادله ی آن ها بحث علمی و فقهی نشده و با تشکیل حکومت اسلامی شیعی پس از چند صد سال برای دستگاه اطلاعات و استخبارات حکومت اسلامی لازم است تا ضوابط جواز آن را بر اساس ادله ی عقلی و نقلی مورد بررسی قرار داده و ضوابط و محدوده ی ممنوعیت و حرمت تجسس و موارد و مصادیق مباح و جائز آن منضبط و ضابطه مند گردد؛ چه آنکه عدم انضباط این مسائل و بی اطلاعی نسبت به آنها پیامدها، آثار و آفات شرعی بسیاری دارد. علاوه بر ضرورت تعیین محدوده ی مجاز

۱. «و تَقَعَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ. لَأُعَذِّبُنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحُنَّهُ أَوْ لَأَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ. فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَا بِنِجْمِ يَمِينٍ». سوره ی مبارکه نمل: آیه ۲۰-۲۱.

تجسس در نظام استخبارات و اطلاعات حکومت اسلامی، برای نوع مکلفین نیز لازم و واجب است تا محدوده‌ی حرمت و ممنوعیت آن را از محدوده‌ی مجاز آن تشخیص داده تا بی جهت مصادیق واجب آن را به امید اطلاق آیه شریفه قرآن کریم در بیان ممنوعیت تجسس ترک نمایند. از آنجایی که فقهای امامیه پیرامون مبانی حکم حرمت تجسس و مقتضای ادله‌ی آن و حیظه‌ی حرمت و موارد مشروع و مجاز آن در هیچ یک از کتب فقهی به‌طور مبسوط بحث و بررسی نکرده‌اند و فقط در برخی از کتب فقهی همانند «جهاد»، «قصاص»، «دیات» صرفاً برخی از مسائل مربوط به تجسس و اطلاع ناروا از حریم دیگران را مطرح نموده‌اند، اهمیت بررسی آن صد چندان خواهد بود.

#### ۴. اهداف و ثمرات پژوهش

هدف، غایت، ثمره و نتیجه برای هر بحث علمی لازم و ضروری است و عمل بدون هدف، عبث و بیهوده و انجام آن از انسان عاقل انجام آن قبیح و زشت است.

در تحقیقات و پژوهش‌های علمی، اهداف یا صرف نظری است و یا کاربردی یا هر دو. در پژوهش پیرامون تجسس از حریم افراد در مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی از هر دو جهت اهدافی مختلفی وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۴-۱. اهداف و ثمرات نظری

در پژوهش حاضر مبانی و ادله‌ی حکم به ممنوعیت و حرمت تجسس و قلمرو و حیظه‌ی این ادله از یک جهت، و از جهت دیگر مصادیق و موارد مشروع تجسس و مبانی آنها بر اساس ادله‌ی معتبر در استنباط احکام در فقه شیعه بیان می‌شود و از جمله مهمترین ثمرات بسیاری از پژوهش‌های علمی صرف علمی بودن آنها است بدون اینکه ثمره‌ی عملی و کاربردی بر آنها بار

باشد و شاهد مدعای ما بسیاری از مباحث علوم انسانی همانند مسائل فلسفی، اصولی، جامعه شناسی و... می‌باشد. علاوه بر تبیین قلمرو مصادیق مشروع و نامشروع تجسس در فقه امامیه، در پژوهش حاضر بررسی حریم خصوصی در فقه و حقوق و مبانی حمایت از آن در فقه امامیه نیز مورد اهتمام نگارنده می‌باشد و این مسأله نیز از آنجا که سابقه‌ی علمی فقهی ندارد هم از جهت علمی و هم عملی و کاربردی بسیار مهم و ضروری است.

#### ۲-۴. اهداف و ثمرات عملی و کاربردی

اگرچه بسیاری از تحقیقات علمی پژوهشی در حوزه علوم انسانی دارای ثمرات و اهداف کاربردی نمی‌باشد اما برای پژوهش پیرامون تجسس از حریم افراد در مجموعه مفاهیم بنیادین علوم اسلامی اهداف کاربردی بسیاری وجود دارد که عبارتند از:

- استفاده‌ی دانش جویان و دانش پژوهان فقه و حقوق و طالبان علم و تمام مکلفین مؤمن
- استفاده در وزارت امور خارجه
- استفاده در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان جهت تصویب قوانین
- استفاده در وزارت اطلاعات، نیروهای نظامی و انتظامی
- استفاده برای تمام وزارت خانه‌ها، مدیران ارشد و حاکمان اسلامی

#### ۵. روش تحقیق

گردآوری داده‌ها در پژوهش حاضر مبتنی «روش کتابخانه‌ای و دیجیتالی در فقه امامیه» و تحلیل و پردازش داده‌ها به روش «تحلیلی - توصیفی» است.

#### ۶. محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق

پژوهش پیرامون تجسس از حریم افراد در مجموعه مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی از آنجا که فاقد هرگونه سابقه‌ی علمی و اجتهادی است، هم در مبادی و مقدمات آن همانند: مسأله‌ی حریم خصوصی و... و هم در اصل محتوای پژوهش با دشواری‌های بسیاری همراه بوده و نگارنده ناگزیر از رجوع به منابع احکام از جمله آیات، روایات، سیره و استمداد از اقوال فقها... بوده و به اندازه‌ی وسع خود ابتدا به تحلیل مبانی حکم حرمت تجسس یعنی آیات، روایات، سیره، حکم عقل و... در فقه شیعه پرداخته و سپس تلاش در تبیین قلمرو آن دارد و با توجه به ادله‌ی مواردی را که از محدوده‌ی حرمت و ممنوعیت خارج‌اند، بررسی و تبیین نموده و به ارائه ادله برای خروج یا اخراج آنها از محدوده‌ی حرمت می‌پردازد.

#### ۷. سؤالات اصلی پژوهش

سؤالاتی که در پژوهش حاضر نگارنده قصد پاسخ و بررسی آن را دارد، به قرار زیر می‌باشد:

- حریم خصوصی افراد چه حیظه‌ای از زندگی افراد است؟
- آیا حریم خصوصی افراد در فقه امامیه مورد اهتمام و حمایت است یا خیر؟ و در صورت حمایت و اهتمام فقه شیعه نسبت به حریم افراد، این اهتمام به چه نحو می‌باشد؟
- تجسس از حریم خصوصی افراد از منظر فقه شیعه چه حکمی دارد؟ آیا تجسس در فقه شیعه صرفاً محکوم حرمت و ممنوعیت است یا مصادیق جائز و مباح نیز برای آن در فقه شیعه وجود دارد؟
- در صورت حکم به جواز و اباحه برخی از مصادیق تجسس در فقه شیعه، آیا این مصادیق از دایره‌ی حکم حرمت از اصل خارج بوده و به

اصطلاح تخصصاً و موضوعاً خارج اند یا به واسطه‌ی دلیل خاص و به اصطلاح تخصیصاً از دایره حکم حرمت اخراج می‌گردد؟

### ۸. فرضیه‌ها

فرضیه‌های پژوهش حاضر عبارتند از:

- ظاهراً حریم افراد در فقه امامیه دارای تعریفی که از سوی شارع مقدّس یا متشرّعین به شریعت اسلام ارائه شده باشد، نمی‌باشد و ضابطه‌ای که برای تعریف حریم می‌توان ارائه نمود، صرفاً ضابطه‌ای عرفی است، البته در اسلام با تشریح عناوین مختلفی از آن حمایت شده است.
- به نظر می‌رسد: تجسس از حریم خصوصی افراد از منظر فقه شیعه و به حکم آیات، روایات، عقل و... به‌طور مطلق ممنوع و حرام است.
- به نظر می‌رسد: برخی مصادیق تجسس از جمله تجسس از حریم خصوصی افراد در راستای حفظ نظام و جلوگیری از اختلال در آن، تحقیق در مسأله‌ی ازدواج، تفحص از عورات کودک توسط والدین، تفقّد و تجسس از احوال محرومان جامعه، تفحص و تجسس از عملکرد کارگزاران امور حکومتی و... از حکم حرمت و ممنوعیت خارج است.

۱. خروج چیزی از دلیل دیگر را تخصص نامند. به بیان دیگر خروج حقیقی و وجدانی چیزی از دلیلی (بدون کمک از دلیل یا تعبد دیگر) را تخصیص گویند. مثال: مولی می‌گوید: «علما را احترام کن» بدیهی است کیومرثی که از علم بهره‌ای ندارد تخصصاً و موضوعاً از فرمان فوق خارج است.  
 ۲. اخراج حکمی از موضوع را تخصیص نامند. اگر موردی از نظر موضوع داخل در مخصّص و از نظر حکم خارج از آن باشد، آن را تخصیص نامند. مثلاً می‌گوید: «در ماه رمضان بر هر مکلفی روزه گرفتن واجب است، مگر مسافر» در این مثال مسافر هم مکلف بوده و داخل در «هر مکلفی» می‌باشد پس موضوع «هر مکلف» شامل مسافر هم هست. اما حکم وجوب روزه بر او تشریح نشده است و چنین اخراجی را تخصیص گویند. (الاصول العامه للفقّه المقارن، ص ۸۸)



## تعاریف و مفاهیم بنیادین

در هر پژوهش مهم‌ترین رکن قبل از ورود به ماهیت پژوهش و طرح مسائل اصلی آن، برای جلوگیری از کج‌روی‌ها و اشتباه‌ها بیان شفاف تعاریف اصلی پژوهش و تحقیق می‌باشد. در علم منطق بخشی به تبیین روش تعریف در علوم حقیقی اختصاص داده شده است. اما در عالم فقه و اصول از آن جهت که ناظر به اعتباریات بوده و بحث از واقع نمی‌کند و بحث از مسائل حقیقی نمی‌کند، تعریف جامع افراد و مانع اغیار ممکن نمی‌باشد و هر تعریفی در این علوم اعتباری دچار اشکالات فراوانی از جانب مانعیّت و جامعیت می‌باشد. در فقه و اصول شواهد بسیار زیادی از آن‌ها وجود دارد؛ بنابراین تعریف در علم اصول و فقه صرفاً شرح الاسم و لغوی است.<sup>۱</sup> بیان این مقدمه از آن جهت حائز اهمیت بود، که در پژوهش حاضر نیز تعاریف

---

۱. و بر متبّع در عالم فقه بایسته نیست تا به بیان اشکالات از جانب انعکاس و اطراد بپردازد، مثلاً مرحوم مظفر در بحث عام و خاص می‌فرماید: «العَامُ و الخاصُّ هما من المفاهیم الواضحه البديهیه التي لا تحتاج الى التعريف ألا لشرح الاسم و تقريب المعنى الى الذهن فلذلك لا محل لتعريفها بالتعريف الحقیقیه» (مظفر، محمدرضا (بی‌تا)، ص ۱۳۹، ج ۱). ایشان هم چنین در تعریف مطلق و مقید می‌فرماید: «عرفوا المطلق ما دلّ علی معنی شایع فی جنسیه و یقابله المقید و هذا التعريف قديمٌ بحثوا عنه كثيراً و أحصوا علیه عدّة مؤاخذاتٍ یطولُ شرحها و لا فائدة فی ذکرها مادام أنّ الغرض من مثل هذا التعريف هو تقريب المعنى الذي وُضِعَ له اللفظُ لأنّه من التعاريف اللفظیه» (مظفر، محمدرضا (بی‌تا)، ص ۱۷۱، ج ۱)

اصلی همانند تجسس، حریم خصوصی و... شرح الاسم، لغوی و عرفی بوده و بایسته‌ی اشکال نمی‌باشند و ذکر این مقدمه دفع دخل مقدر است. حال پس از بیان این مقدمه به بحث از تعریف مفاهیم و مقدمات اصلی پژوهش همانند تجسس، حریم و... می‌پردازیم.

### ۱. تجسس

از جمله کلید واژه‌های اصلی پژوهش حاضر واژه‌ی تجسس از منظر لغت و اصطلاح است. در این قسمت به بررسی این واژه می‌پردازیم.

#### ۱-۱. معنای لغوی

«تجسس» در لغت و عرف به معنای جست و جو از باطن و درون امور می‌باشد. ابن منظور در لسان العرب که از کتب مهم لغت عرب است، می‌نویسد: «لحیانی می‌گوید: از فلانی تجسس نمودم و یعنی بحث، جست و جو و کنکاش نمودم همانند تحسس» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۸۳). ظاهر کلام «لحیانی» نشان می‌دهد که بین «تجسس» و «تحسس» تفاوتی وجود ندارد.

«فیومی» در مصباح المیز که از دیگر کتب مهم لغت عرب است، می‌نویسد: «جسه بیده جسا» که از باب «قَتَلَ یَقْتُلُ» می‌باشد و نیز «اجتسه» یعنی برای شناسائی، واریسی کرد. «جسّ الاخبار و تجسسها» یعنی دنبال نمودن و پی‌گیری خبرها را کردن. جاسوس نیز از همین باب می‌باشد؛ زیرا در پی جست و جوی خبرها و کنکاش از امور است.<sup>۱</sup>

از ظاهر توضیح فیومی، بر می‌آید که تجسس تنها پی‌گیری زشتی‌ها و عورات نهان نمی‌باشد، بلکه معنایی اعم دارد.

۱. «جسه بیده جسا من باب قتل، و اجتسه لیتعرفه و جسّ الأخبار و تجسسها تبعها و منه الجاسوس لأنه يتبع الأخبار و يفحص عن بواطن الامور». مقرئ فیومی، احمد بن محمد (بی‌تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۱، ص ۱۲۵.

در مقائیس اللغه در معنای «جس» آمده است: «جس» شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف است. جاسوس - بر وزن فاعول - نیز از همین ریشه است؛ زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی سروصدا به چنگ می آورد.<sup>۱</sup> جوهری در صحاح می نویسد: «جَسَّتُ الاخبار و تجسستها» یعنی از اخبار فحص و جست و جو کردم. و از همین ریشه کلمه جاسوس می باشد و از خلیل بن احمد «جواس» هم حکایت شده و ابن برید می گوید: گاهی تجسس بواسطه چشم و بصراست (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۹۱۳).

در اقرب الموارد آمده است: «تجسس الخبر» یعنی در پس خبر به جست و جو پرداختن و نهان امور را کاویدن... جاسوس و جسیس به حامل پیام فتنه انگیز گفته می شود؛ یعنی همان جاسوس که در پی خبر می گردد و آن گاه که به دست آورد، آن را به دروغ می آراید (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۲۳). ایشان می نویسد: تجسس یعنی به سخن قوم گوش داد و خبر آنها را به قصد خیر دریافت کرد و «تجسس» یعنی خبر و احوال آنها را به نیت شر و فتنه دریافت نمود (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۹۱).

از اخفش نقل شده: معنای «تجسس» با «تجسس» تفاوت زیادی ندارد؛ زیرا تجسس فحص از چیزی است که بر تو پوشیده مانده است و تجسس، به دنبال اخبار و در جست و جوی آن بودن است. ثعلب بر این باور است که رأی دیگری در این جا وجود دارد که میان این دو تفاوت می گذارد؛ چرا که در تجسس، شخص خبرها را برای خود می خواهد، اما در تجسس، فرد خبرگیر، اخبار را برای دیگری می خواهد و فرستاده ی اوست. قرطبی در کتاب تفسیر خود پس از نقل این سخن منسوب به اخفش می گوید: نظر اوّل یعنی عدم فرق بین تجسس و تجسس معروف تر است (انصاری قرطبی، بی تا، ج ۱۶، ص ۳۳۳).

۱. «هو تعرف الشيء بمس لطيف والجاسوس فاعول من هذا؛ لأنه يتخبر ما يريده بخفاء و لطف». ابن فارس، احمد بن ذكريا (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغه، ج ۱، ص ۴۱۴.